

اعلام موجودیت شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

پنجشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۸ - ۴ مارس ۲۰۱۰

امروز در دل شرایط جدید سیاسی بوجود آمده در جامعه ایران، ما بخشی از این فعالین، تصمیم به تشکیل شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی ماهشهر گرفته و این شورا را به عنوان تشکلی پایه، برای متشکل نمودن کارگران منطقه اعلام و بیانیه زیر را به عنوان بیانیه شورا و خواستهای کارگران این منطقه با اطلاع عموم می رسانیم و از همه کارگران میخواهیم که در پخش و توزیع هر چه بیشتر این بیانیه و خواستها در میان کارگران، خانواده ها و مردم بکوشند. با این امید که روزی با مجمع عمومی های صدها و هزاران نفره در محیطهای کارگری و محلهای زندگی کارگران، شاهد شکل گیری شوراهای علنی در منطقه باشیم. قطعاً امروز دور نیست.....

منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر با احتساب دو مجتمع قدیمی، پتروشیمی رازی و بندر امام (ایران و ژاپن سابق) 20 مجتمع را شامل می شود. این منطقه از اواخر دهه 40 با شروع بکار پتروشیمی رازی فعالیت صنعتی خود را آغاز کرده است و امروز قدیمی ترین منطقه صنعتی پتروشیمی در خاورمیانه محسوب میشود. تا دو سال قبل، تعداد کارگران شاغل در مجتمع های منطقه که به تولید رسیده و یا در حال ساخت بودند، به بیش از 50000 نفر بالغ میگردد که در پی بحران اقتصادی دوسال گذشته و اخراجهای پشت سر هم، به 30000 نفر تقلیل یافته است و به معنی واقعی تر یعنی در طی دوسال گذشته در حدود 20000 نفر کارگر در این منطقه، اخراج و از کار بیکار شده اند. اخراج کارگران به بهانه های مختلف صورت گرفته که عمده آن پایان یافتن دوره ساخت کارخانجات از طرف سرمایه داران و شرکتهای مطرح شده است. اخراجهای عمدتاً با مقاومتهای زیادی از سوی کارگران مواجه بوده است و امروزه هم، همچنان ادامه دارد. در دوران انقلاب 7 ، این منطقه از مناطقی بود که فعالین کارگری، با تشکیل شورای کارگران پروژه ای دست به ایجاد تشکلی برای متحد کردن کارگران زده

که این شورا سخنگوی کارگران بوده و نماینده خواستهای برحق کارگران در انقلابی شد که اساسش کارگر بود و کارگر به عنوان ستون فقرات انقلاب علیه رژیم شاه به حساب می‌آمد. فعالین آن سالها امروز یا در میان مانیستند و یا بازنشست شده اند. بنابراین امروز، اکثر فعالین کارگری، فعالین جوانی هستند که تجربه گذشته را ندارند و تاریخ آن دوره را از فعالین با سابقه شنیده و آموخته اند. این فعالین به عنوان نماینده خواستهای مختلف کارگران در دل مبارزه برای خواستهای مختلف، از جمله پرداخت حقوق معوقه و متحد کردن کارگران برای مقابله با سیاستهای اخراج سازی سرمایه داران منطقه و دولت حامی آنها، پرورش یافته اند. در ماهها و سالهای گذشته، بارها این فعالین با دادن نامه حمایتی از مبارزات کارگران سایر مناطق ایران، اراده خودشان را بنمایش گذاشته اند.

امروز در دل شرایط جدید سیاسی بوجود آمده در جامعه ایران، ما بخشی از این فعالین، تصمیم به تشکیل شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی ماهشهر گرفته و این شورا را به عنوان تشکلی پایه، برای متشکل نمودن کارگران منطقه اعلام و بیانیه زیر را به عنوان بیانیه شورا و خواستهای کارگران این منطقه با اطلاع عموم می‌رسانیم و از همه کارگران می‌خواهیم که در پخش و توزیع هر چه بیشتر این بیانیه و خواستها در میان کارگران، خانواده ها و مردم بکوشند. با این امید که روزی با مجمع عمومی های صدها و هزاران نفره در محیطهای کارگری و محلهای زندگی کارگران، شاهد شکل گیری شوراهای علنی در منطقه باشیم. قطعاً امروز دور نیست.

بیانیه شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

1 - با توجه به شرایط حاد اقتصادی و سیاسی موجود در ایران زندگی کارگران با مخاطرات جدی روبرو شده و از آنجا که کارگر در ایران از هیچگونه تشکلی برای طرح و دفاع از خواسته هایش ندارد، لذا:

ما کارگران خواهان حق ایجاد تشکل و داشتن چنین ظرفی برای طرح و دفاع از خواستهای برحق هر روزه مان هستیم و این تشکل همانا، مجمع عمومی کارگران در کارخانه و یا محل زندگی مان است. مجمع عمومی کارگری، با توجه نیاز کارگران برای دفاع از شرایط کار، زندگی و معیشت میتواند و باید تشکل شود.

2 - ما خواهان تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال 1389، توسط

شورائی متشکل از نمایندگان کارگران و دولت و بر اساس میزان تورم اقتصادی روز، و به میزان حد اقل یکمیلیون تومان و با توجه به اعلام خط فقر از طرف مسئولین و ارگانهای دولتی هستیم. در روزهای پایانی سال 1388 این خواست را باید به نیروی متحد کارگران به کارفرمایان تحمیل کرد.

3 - اعتراض و اعتصاب حق کارگران است. هیچ کارگری را نباید بدلیل اعتصاب و اعتراض دستگیر و زندانی کرد. در شرایطی که کارگران در گروههای دهها و صدها نفره از محیطهای کار اخراج میشوند، کارگر جز استفاده از ابزار اعتراض و اعتصاب چاره دیگری، برای دفاع از زندگی اش ندارد.

4 - ما خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی هستیم. هم اینک دهها رهبر کارگری و از جمله منصور اصانلو و ابراهیم مددی اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و علی نجاتی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران هفت تپه در زندان هستند که باید بدون قید و شرط آزاد شوند، این کارگران برای دفاع از حقوق کارگران مبارزه کرده اند و نباید به این دلیل و هر دلیل مشابه دیگری در زندان بمانند. ما همچنین خواهان آزادی دستگیرشدگان اعتراضات 8 ماهه گذشته هستیم.

5 - ما خواهان پرداخت حقوقهای معوقه کارگران شاغل در کارخانجات هستیم.

6 - ما خواهان توقف اخراج کارگران از محیطهای کار هستیم.

7 - ما خواهان لغو مجازات اعدام و از جمله اعدام زندانیان سیاسی مانند فرزاد کمانگر، معلم زندانی هستیم.

با توجه به شرایط اقتصادی این منطقه و ثروت بی حد و حصری که از این منطقه به جیب سرمایه داران ایران و جهان سرازیر میشود، تحقق این خواستها و بویژه حفظ کار و تامین معیشت و زندگی کارگران کاملاً امری قابل تحقق بوده و بدینوسیله از مسئولین امر در منطقه خواسته میشود که به این خواست کارگران رسیدگی کرده و عملی نمایند.

شورای موقت کارگران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر

اعتراض ایرانیان به حضور جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی سبیت آلمان



چهارشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ - ۳ مارس ۲۰۱۰
"ندا حقیقت"

تعدادی از ایرانیان مقیم اروپا به حضور شرکت مخابرات جمهوری اسلامی در نمایشگاه سبیت هانوفر اعتراض کردند. معترضین بعد از ظهر امروز با حضور در نمایشگاه بین المللی سبیت در آلمان (هانوفر) و پوشیدن لباسهایی که به دو زبان آلمانی و انگلیسی بر روی آن نوشته شده بود "آزادی برای ایران"، "فشار و سرکوب"، "جاسوسی"، "گفت و شنود مکالمات تلفنی"، "فیلتر" و "کنترل"، اعتراض خود نسبت به اعمال جمهوری اسلامی ایران را نشان دادند.

در این حرکت معترضین در کنار غرفه مخابرات جمهوری اسلامی با دست گرفتن پلاکارتهایی از عکسهای شهدای جنبش اخیر مردم ایران، جنایات جمهوری اسلامی و سرکوب ملت ایران و پخش اعلامیه هایی در این خصوص توجه شرکت کنندگان در نمایشگاه بین المللی سبیت را به این جنایات جلب کردند.



در این تجمع معترضان همچنین با سر دادن شعارهایی به زبان آلمانی نظیر "ترور و اعدام برابر است با جمهوری اسلامی" و "آزادی زندانیان سیاسی" اعمال وحشیانه جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

این اعتراض که به صورت مسالمت آمیز برگزار شد مورد توجه عکاسان و فیلمبرداران خارجی قرار گرفت.

در این حرکت ماموران رژیم جمهوری اسلامی اقدام به گرفتن عکس و فیلم از معترضین کردند.

چندی پیش شبکه جوانان ایرانی هانوفر در بیانیه ای خواستار تحریم شدن شرکت مخابرات جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی سبیت آلمان در هانوفر به دلیل سو استفاده از سیستم ارتباطی در سرکوب مردم شده بود.



در این بیانیه آمده است: "سانسور، سرکوب، دستگیری، شکنجه، تجاوز، اعدام و ..." اینها عبارتی است که از حدود ۹ ماه پیش در رسانه های سراسر دنیا برای توصیف شرایط موجود در ایران بارها تکرار شده است.

در ادامه این بیانیه تصریح شده است: اقتدارگرایان نظامی پس از تقلب در انتخاب ریاست جمهوری بدون هیچ محدودیتی به سرکوب مردم دست زدند. سرکوب مردمی که با شعار مبارزه^۶ مسالمت آمیز به خیابان ها آماده بودند تا رای خود را پس بگیرند.

این بیانیه تاکید دارد: حقوق بشر، آزادی و دمکراسی مفاهیمی هستند که امروز در چارچوب مرز های ایران معنایی ندارند. و دنیا که امروز چه ساده چشم می پوشد از این جنایات و خود را با تحریم های نه چندان هدفمند برعلیه برنامه^۶ اتمی ایران راضی می کند. تحریم هایی که نه دولت خاطی بلکه گاه به غلط زندگی مردم را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

در این بیانیه خاطر نشان می شود: اقتدارگرایان که در خیابانها به مردم بی دفاع شلیک می کنند، امروز صاحب بزرگترین بنگاه های اقتصادی و تجاری در ایران هستند، بزرگترین بنگاه های وارداتی، بزرگترین کارخانه های تولیدی و حتی شرکت انحصاری مخابرات ایران امروز در چنگال آنهاست.

این بیانیه تاکید دارد: دولت ایران اخیرا از طریق شرکت مخابرات: ۱- با ایجاد اختلال در ارتباطات تلفنی و سیستم پیام کوتاه، فیلتر کردن شبکه اینترنت کشور و مسدود کردن سایت های اینترنتی و شبکه های تلویزیونی فارسی زبان مانند صدای آمریکا، دویچه وله فارسی و بی بی سی مانع جریان آزاد اطلاعات به خارج از ایران و در داخل ایران شده است.

۲- با کنترل و شنود مکالمات تلفنی و اینترنتی اقدام به دستگیری صد ها تن از فعالین اجتماعی و سیاسی کرده است. در ادامه این بیانیه تصریح شده است: با خبر شدیم که شرکت های وابسته به مخابرات ایران یکی از قوی ترین بازوهای مالی سرکوب در ایران، در نمایشگاه سبیت هانوفر از تاریخ ۲ تا ۶ مارس شرکت خواهند کرد. چگونه است که این قاتلین آزادی در ایران می توانند به راحتی و بدون دغدغه به یکی از دمکرات ترین کشورهای دنیا سفر کنند و با تجارت در نمایشگاه بین المللی جیب خود را برای خریدن گاز اشک آور، اسلحه و وسائل شکنجه، ملت ایران پر از پول کنند. آیا شما به عنوان یکی از نیروهای تاثیر گذار در چارچوب دمکرات دولت آلمان خود را مسئول نمی دانید؟! آیا سکوت شما باعث سرکوب تعداد بیشتری از جوانان ایرانی نخواهد بود؟!

اعتراضات ایرانیان در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در ژنو در روز ۱۵ فوریه

دوشنبه ۳ اسفند ۱۳۸۸ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۰

اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران و نه به جمهوری اسلامی
تصاویری از آکسیون اعتراضی در برابر سازمان ملل متحد در ژنو
همزمان با برگزاری هفتمین نشست شورای حقوق بشر (۱۵ ژانویه ۲۰۱۰
از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر)
همگامی نهاد های شهری در پشتیبانی از مبارزات مردم و کاروان های
حقوق بشر



بمناسبت آغاز هفتمین اجلاس دوره ای شورای حقوق بشر سازمان ملل
متحد پیرامون بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران، تعدادی از نهادهای،
چپ، مترقی، دموکرات و مدافع حقوق بشر، گروه ها و افراد در تاریخ
15 فوریه، به برگزاری یک آکسیون اعتراضی در مخالفت با جنایات

رژیم و در دفاع از حقوق مردم در مقابل دفتر این سازمان در شهر ژنو اقدام کردند. در سازماندهی این حرکت اعتراضی همگامان ما از سویس نیز شرکت داشتند و نیز تعدادی از همگامان ما از شهرهای مختلف اروپا در این حرکت اعتراضی شرکت کردند. گزارش زیر توسط تعدادی از همگامان تهیه شده، که برای تان ارسال می کنیم.

سازماندهندگان:

شبکه ای از ۷۸ نهاد حقوق بشری و تشکل های مدنی در اروپا، کانادا و آمریکا، در اعتراض به نقض گسترده و برنامه ریزی شده ی حقوق بشر، همگامان ما از نهادهای شهری در سویس

در میدان اصلی مقابل دفتر سازمان ملل تعدادی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر حضور داشتند. نزدیک به ۶۰ درصد از حاضرین را افراد متمایل به چپ دمکرات و مترقی تشکیل می دادند که شعارمحوری شان «نه به جمهوری اسلامی» بود.

در میان شرکت کنندگان در این آکسیون هواداران سازمان ها و نهاد های چپ و سوسیالیستی (راه کارگر، اتحاد فدائیان خلق، شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران، جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران و...)، حزب دمکرات، کومه له و تعدادی از فعالین از کنگره خلق های ایران حضور داشتند.

تعدادی بالغ بر ۵۰ تا ۶۰ نفر از سازمان مجاهدین نیز در یکی از پیاده روها با در دست داشتن عکس هایی از خانم و آقای رجوی تجمع کرده بودند.

عمده افراد شرکت کنند از سویس، اتریش، کلن، برلن، پاریس، فرانکفورت بودند. از شهرهای ماینس، بروکسل، دن هاگ، هانوفر و. نیز کشورهای کانادا تعدادی در دسته های چندنفره و یا به تنهایی به ژنو آمده بودند.

تعدادی از شهروندان فرانسوی متعلق به جریانات چپ از پاریس و یک شهر دیگر فرانسه در این آکسیون حضور فعال داشتند.

دو پیام در همبستگی با مبارزات مردم از فرانسه، یکی از طرف حزب سبزه های سویس و پیامی نیز از طرف امنستی در این آکسیون قرائت شد.

در سازماندهی آکسیون نقاط ضعف بسیاری به چشم می خورد. چه از طرف خود ما و چه از طرف ۷۸ نهاد دیگر. اگر چه اعلامیه، بیانیه و تراکت به زبان های مختلف وجود داشت، ولی تراکت به زبان فرانسه به ندرت به چشم می خورد.

اگر چه سازماندهی محل، گرفتن جا و زدن سن و چادر بسیار خوب انجام گرفته بود، اما تکنیک (میکروفن و بلندگوها، برق و...) عملاً از کار افتاده بود و تا آخرین لحظه کاربردی نداشت. امکانات محدود ما از هانوفر، اگر چه جواب گو نبود، ولی تا حدودی تامین کننده نیازهای اولیه ما بود.

اشاره ای کوتاه به آنچه در درون اجلاس سازمان ملل و دور از چشم ما انجام گرفت

در جلسه سه ساعته بررسی وضعیت حقوق بشر ایران در نشست روز دوشنبه ۱۵ فوریه دلیگاسیونی از ایران شرکت داشت و نماینده رژیم در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، محمد جواد لاریجانی به قلب واقعیت های موجود در ایران پرداخت. پس از ارائه گزارش او، اعضای اروپائی و آمریکائی شورای حقوق بشر، دولت ایران را بخاطر نقض وسیع حقوق اولیه انسان ها، دستگیری و اعدام شرکت کنندگان در تظاهرات آرام و دستگیری اعضای جامعه بهائیت ایران محکوم کرده و توصیه های خود را برای رفع این موارد ارائه نمودند. تعداد زیادی از کشورهایی که بخش اعظم شان، خود ناقض حقوق بشراند، به دفاع از رژیم اسلامی ایران پرداختند. در این رابطه نقش چین، روسیه، برزیل، پاناما، کوبا، نیکارگوا، ژاپن، برخی از کشورهای اسلامی و کشورهای آمریکای لاتین در دفاع از جمهوری اسلامی حائز اهمیت بود. جمهوری اسلامی با تدارکات و آمادگی کامل و به احتمال بسیار زیاد ساخت و پاخت های پشت پرده با بسیاری از این کشورها در نشست شرکت نموده بود. در بخش سئوال و جواب ها ظاهراً نمایندگان نهاد های غیر دولتی دلیگاسین ایران از جامعه آسوریها و خانم پروفیسور فاطمه مبشری، نماینده زنان ایران از جمله مدافعان و سخن گویان جمهوری اسلامی بودند.

چندین بیانیه و نوشته چه از طرف ۷۸ نهاد دفاع از حقوق بشر تحت عنوان "حضور مشترک کاروان های حقوق بشر در برابر مقر سازمان ملل متحد در ژنو در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران"، چه بیانیه "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادیه آزاد کارگران" و چه بیانیه ما "همگامی در دفاع از مبارزات مردم ایران و نه به جمهوری اسلامی" و چندین نوشته و متن دیگر در محل اجلاس در اختیار وسائل ارتباط جمعی و برخی از نمایندگان قرار گرفتند.

در تمامی این بیانیه ها نکات مشترک زیادی وجود داشتند، که بر مبنای آن اپوزیسیون می توانست حرکت اعتراضی سازمان یافته تری را

در ژنو در برابر رژیم انجام دهد. خواست های عمومی همه، مبنی بر لغو مجازات اعدام، شکنجه و اذیت و آزار، آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی از جمله فعالین کارگری و دیگر فعالین جنبشهای اجتماعی، آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل، آزادی بیان و اجتماعات، برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی، از جمله مسائل و خواست هائی است که کم و بیش در تمامی این بیانیه ها به آن ها اشاره شده بود. آنچه ما (همگامان شهری و ۷۸ نهاد حقوق بشری) را در درون محل اجلاس از دیگران متمایز می کرد، حضور مشترک مان از طریق رابطین جوابگو و مورد تائید جمعی بود، که در آخرین لحظات قبل از شروع اجلاس مورد توافق مشترک قرار گرفتند. در خارج از محل اجلاس باز توانستیم در آخرین لحظه ها محیط دوستانه ای ایجاد کنیم، مشترکات را با هم به پیش ببریم و تفاوت های نظریمان را نیز عنوان کنیم. آن چه همگامان شهری را از دیگران متمایز می کرد، پافشاری و تاکید ما بر "نه به جمهوری اسلامی" بود که به طور عمده در شعار های زیر به شکل های مختلف، اغلب به زبان فارسی و بعضا به زبان های آلمانی، انگلیسی و یا فرانسه به صورت تراکت در گوشه و کنار میدان به چشم می خورد و یا توسط حاضرین در میدان داده می شد: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد، جمهوری اسلامی نابود باید گردد، ترور، شکنجه، اعدام ملغی باید گردد!"، "نه به جمهوری اسلامی!"، "ولایت حرف مفتی، رژیم باید بیفته!".

تعدادی از افراد، شخصی و یا از طرف جناح های مختلف اپوزیسیون به عنوان کارشناس، شاهد و ناظر نقض حقوق بشر، در نشست حضور داشتند، که شاید در این جا و آن جا قبل از تشکیل جلسه شورا در دیدار با برخی نمایندگان عضو این شورا و خبرنگاران در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران، گزارش هائی را ارائه داده بودند. از جمله خانم شادی امین، خانم شادی صدر، عبدالکریم لاهیجی، اما روشن نبود که این مجموعه افراد شرکت کننده از طرف چه گروه ها و یا کدام یک از مجامع ایرانی به این نشست فرستاده شده بودند و این افراد جواب گوی چه کسی هستند. فردی آمده اند و کار داوطلبانه انجام می دهند، رابط گروه ها و احزاب سیاسی و یا مجامع حقوق بشر هستند و یا طبق مرسوم همیشگی "شخصیت" های خود ساخته اپوزیسیون ایران هستند که در بالای سر اپوزیسیون حضور دائمی دارند، و آن می کنند که خود درست تشخیص می دهند، جواب گوی هیچ کس و جریانی نیستند، در این گونه مجامع هر گاه که بخواهند شرکت می کنند و مجموعه اپوزیسیون نیز به آنها بدهکار است. طبیعتا این گونه افراد می توانند در این جا و

آنجا، با برخی از شخصیت های سیاسی از این کشور و یا آن کشور و یا احیانا وسائل ارتباط جمعی تماس بگیرند، اما این گونه اقدامات بدون قبول هر گونه تعهد پذیری و رایزنی جمعی انجام می گیرد و چاره ساز و جواب گوی نیاز مرحله ای جنبش نیست. تجربه ۳۱ اپوزیسیون در خارج از کشور بیان گر این واقعیت است که از این راه نمی توان یک مانع جدی و فعال در برابر حضور رژیم جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی ایجاد نمود.



خانم شادی امین از میان این جمع، گزارش نسبتا جمعی از اجلاس مشورتی به شرکت کنندگان در آکسیون ارائه داد. و پس از او در بعد از ظهر همان روز، آقای لاهیجی و دلیگاسیون سه نفره ای از کنگره خلق های ایران مشاهدات خود را عنوان نمودند.

از طرف نهادهای حقوق بشر چند نفر از دوستان ما از جمله آقای کاظم کردوانی با خواست های مشترک، که مورد توافق هر دو بخش بود، در این نشست حضور داشت و گزارشی نیز از برداشت های خود به جمع ارائه داد. شاید بتوان گفت، این روشن ترین شکل ارتباطی بیرون با درون اجلاس بود که با توافق ضمنی جمعی انجام گرفت.

کمبود اقدامات اساسی مشترک به وضوح دیده می شد. نهادها و سازمان های ایرانی دفاع از حقوق بشر و سازمان های سیاسی باید در مورد ارتباط خود با این گونه مجامع، کار با احزاب سیاسی مدافع حقوق بشر در سطح جهان را به شکل بسیار چشم گیر تری تدارک ببینند. در غیر این صورت، اقدامات لحظه ای ما کاربرد آن چنانی نخواهد داشت.

مسئله نقض حقوق بهائیان ایران توسط بسیاری از نمایندگان که نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کردند، در اجلاس مطرح شد. جای آن دارد که این حرکت ارزنده و مستمری که در اثر سال ها کار و فعالیت عمیق و قابل ستایش توسط نهاد های جامعه بهائیان در سراسر دنیا انجام گرفته است، مورد قدردانی مجموعه اپوزیسیون مترقی و دمکرات ایرانی قرار گیرد و شاخصی شود برای فعالیت های حقوق بشری کلیه اپوزیسیون مترقی ایرانی.

چند نکته جانبی

قرار بود که یک شبانه شب، نشستی برای هماهنگی بهتر کارها و توضیح ناروشنی ها و احیانا تفاوت های نظری انجام گیرد، چرا که در میان جمع تدارک دهندگان - نهاد های حقوق بشری و همگامان شهری در مورد شعار "نه به جمهوری اسلامی" اختلاف نظر وجود داشت و هنوز در مورد چگونگی همکاری توافق جمعی حاصل نشده بود.

ساعت ۱۰ تا ۵/۱۲ شب روز یکشنبه ۱۴ فوریه نشست با شرکت بیش از ۲۵ نفر در "بونکر"، محل خواب دوستان از نهادهای حقوق بشر انجام گرفت. پس از گفت و گوی مختصری، توافق عمومی حاصل شد که به جای پرداختن به بحث های کلی نظری، به طور دقیق در مورد مسائل ناروشن و مورد اختلاف صحبت کنیم.

پیشنهاد ما این بود که ما با خواسته های مشترک حقوق بشری، مطرح شده در بیانیه ۷۸ نهاد حقوق بشری، یکی کمتر و یا دو تا بیشتر موافقیم و بهتر است که دلیگاسیون مشترکی انتخاب کنیم که خواست های مشترکمان را به اطلاع نمایندگان شرکت کننده در اجلاس سازمان ملل و مجامع خبری برساند.

پیشنهاد دیگرمان این بود که به صورت برابر حقوق در دادن شعارها و استفاده از تریبون با هم توافق کنیم. زمانی که شعارهای مشترک داده می شود، همه با هم هستیم. در مورد شعار های مورد اختلاف، هر بخشی از ما شعار خود را می دهد، و یا آن که به طور مثال نیم ساعت ما از تریبون استفاده کنیم و نیم ساعت آنها.

دوستان بر این باور بودند که شعار "نه به جمهوری اسلامی" شعاری است محوری و شکننده که سایر شعارها را تحت الشعاع خود قرار می دهد، باید از آن صرف نظر کرد و به جای آن شعار "مرگ بر ولایت فقیه" داد، که مورد توافق ما نبود. آنها با ارسال دلیگاسیون مشترک هم موافق نبودند، چرا که قبلا بین رابطین شان با تمامی صحبت ها در این مورد شده بود و همه ۷۸ گروه حضور نداشت که بتواند، در این مورد تجدید نظر کند.

صرف نظر از یکی دو مورد، در مجموع محیط نه تنها غیر متشنج باقی ماند، بلکه تا حدود زیادی نیز میهمان نوازانه بود و از ما با چای و شیرینی پذیرائی شد. قرار شد که حداقل سعی کنیم که متمدنانه با هم برخورد کنیم. جدا از هم اما در کنار هم رعایت همدیگر را بکنیم.

روز دوشنبه

نزدیک به ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه به میدان ناسیون، محل برگذاری آکسیون در مقابل ساختمان سازمان ملل رسیدیم. چادر بسیار بزرگی با گنجایش چندین صد نفر و امکانات بسیار خوب صوتی و نوری، سن بسیار بزرگی برای سخنرانی تدارک دیده شده بود. در مقابل، امکانات صوتی ما که به همراه آورده بودیم، بسیار محقرانه بود. در گوشه ای از میدان دستگاه صوتیمان را روی ماشین سوار کردیم. سرود انتقادی "ای ایران" و شعارهای "نه به جمهوری اسلامی" باب طبع عده ای نبود. اعتراض تنی چند از پیر و جوان حامی "جنبش درون" بلند شد، اما ما با همه دوستان مدارا کردیم.

از آن جایی که غیر قابل پیش بینی بود که مجامع حقوق بشر فاقد برق شوند و همه وسائل برقی و تکنیک شان غیر قابل استفاده شود، دریافتیم که وسائل حقیر صوتی ما، بهترین و ارزنده ترین امکانات صوتی حاضر در میدان است. بی دریغ تمامی امکانات ناچیزمان را در اختیار همه قرار دادیم، به صورتی که حتی برای برخی از دوستانمان این شبهه بوجود آمده بود که دیگر خودمان مجالی برای طرح نظراتمان پیدا نخواهیم کرد. اقبالمان بالا گرفت. رفتار دیگران با ما تغییر پیدا کرد و برای دیگران تحمل پذیر تر شدیم. اگر چه در گزارش هایی که تا کنون از طرف این دوستان از نقاط مختلف و توسط افراد و نهاد های گوناگون چه به صورت نوشته و چه تصویری برای سایت ها ارسال شده اند، گویا ما وجود خارجی نداشته ایم و حتی به گونه ای محو شده ایم، اما به درستی می توان گفت که ما بر مبنای باورهای دمکراتیک، برابر حقوقانه و چپ مان، تا آنجائی که می توانستیم، کوشش کردیم که کلیه امکانات خود را در اختیار همه قرار دهیم. از طرف رابطین ۷۸ نهاد پیشنهاد شد که یک گفت و گوی مجدد تدارکاتی ترتیب دهیم و کارهایمان را هماهنگ کنیم. دونفر پیشنهاد شده بودند. کاظم کردوانی و بهمن امینی و از طرف همگامی نهاد ها جمشید مهر و اصغر اسلامی. کاظم در یک گفت و گوی بسیار دوستانه و کوتاه تمایل درونی خود را بر همکاری و همگامی مشترک عنوان نمود. مشکل حل شد. ما توانستیم با حسن تفاهم به برگذاری مشترک این حرکت اعتراضی بر مبنای توافقات و طرح مسائل نظری خود بر مبنای تمایلات اقدام نمائیم.

جمع بندی

آکسیون ما در تمامی زمینه ها فاقد سازماندهی های لازم بود. تخمین روشنی از تعداد شرکت کننده در آکسیون نداشتیم. تعداد شرکت کننده در آکسیون (۷۸ سازمان مدافع حقوق بشر، به اضافه تعدادی از نهاد های شهری مانند پاریس، زوریخ، فرانکفورت، ژنو، ماینس، هانوفر، حزب دمکرات کردستان ایران، کومه له، کنگره خلق ها و...) ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر بود. این رقم بیان گر این واقعیت است که ۷۸ سازمان و نهاد امضا کننده بیانیه به طور متوسط هرکدام کمتر از ۳ نفر را بسیج کرده بودند. بیشتر از ۶۰ درصد شرکت کنندگان را طرفداران "نه به جمهوری اسلامی" تشکیل می دادند که یا به طور مستقل و یا از طریق ارتباط با همگامان ما و نهاد های دیگر شهری آمده بودند. اگر نهاد های حقوق بشری از حداقل های خودشان نیز به صورت نسبی استفاده کرده بودند، تعدادی به مراتب بیشتری در محل جمع می شدند. اگر چه مبالغ زیادی خرج شده بود، زحمات زیادی در سازماندهی کشیده شده بود، ولی در به کار گیری امکانات ابتدائی مانند گرفتن اجازه

برای استفاده از برق و یا دیگر امکانات مقدماتی تا حدودی سهل آنگاری شده بود. اگر امکانات ابتدائی و پیش پا افتاده ما نبود، حتا قادر نمی شدیم که صدای خود را به گوش تعدادی از جمعیت حاضر در میدان برسانیم، چه رسد به گوش دیگران.

از وسائل ارتباط جمعی سوئسی در هنگام برگذاری آکسیون خبری نبود. در صورتی که در محل برگزاری اجلاس حقوق بشر سازمان ملل متحد به اندازه کافی خبرنگار حضور داشت. بین مجمع و میدانی که ما در آن حضور داشتیم ارتباط روشن و دقیقی وجود نداشت و در این مورد نیز گویا فکری نشده بود. بعدا با خبر شدیم که مجامع خبری در این جا و آن جا، با این شخصیت و آن شخصیت در مورد این آکسیون گفت و گو هائی داشته اند و در برخی از سایت های ایرانی نیز از این طریق و یا آن طریق گزارشی در مورد آکسیون انتشار یافته است.

بخش عمده ای از شخصیت های سیاسی ایرانی که در نشست شرکت کرده بودند، از جمله خانم شیرین عبادی و خانم شادی صدر، هیچ گونه مسئولیت جمعی از خود نشان ندادند. به طور روشن ما سایه آنها را هم در میان جمعیت حاضر در میدان ندیدیم. اگر چه گفته شد که خانم شادی صدر دومرتبه در میدان حضور داشته اند، ولی گویا ایشان به دلائلی که برای ما ناروشن است از شرکت مستقیم در آکسیون و ارائه گزارش نشست به جمع ما، خودداری کردند. همین گونه نیز در ۱۰ دسامبر در دن هاگ عمل کردند. خانم عبادی نیز طبق معمول اگر چه فعلا به دلائل عدیده در خارج بسر می برند، ولی به نظر می رسد که به علت حساسیت شدیدشان در مقابل "نه به جمهوری اسلامی" در این گونه جمع های ضد رژیمی ظاهر نمی شوند.

حضور آقای لاهیجی و یا رابطین کنگره خلق ها نیز در میدان و طرح مشاهداتشان، همه و همه بیشتر داوطلبانه بود. این افراد نیز می توانستند در میدان حضور پیدا نکنند، جواب گوی کسی نبودند و یا کسی نمی توانست از آنها باز خواست کند.

این وضعیت اسفبار اپوزیسیون سیاسی ما در خارج از کشور است. در داخل کشور، که امکان و امنیت برای فعالیت وجود ندارد و در خارج نیز، اگر چه تا حدود امکاناتی هست، ولی نه نهادهای سیاسی لازم موجودند، که به سود مبارزات مردم از این گونه امکانات استفاده کنند و یا در صورت عدم توانائی تشکیلاتی و یا فردی، افرادی را برای انجام این گونه فعالیت ها به کار گمارند و یا تربیت کنند.

به گمان ما، جنبش اعتراضی ما در خارج از کشور تا زمانی که نهادینه نشود، تا زمانی که ما نتوانیم ارتباطات منسجم سیاسی میان نهاد های فعال شهری و یا سازمانهای سیاسی فراهم آوریم، آب همین آب است و کوزه همین کوزه.

لازمه بلوغ اپوزیسیون در آمدن اش از زیر سایه شخصیت های خود ساخته و خود پرداخته است. نهاد سازی ضرورتی حیاتی برای آینده ایران و تضمین دمکراسی در ایران است. نقاط برجسته این آکسیون

نقطه قوت این آکسیون شفافیت هر چه بیشتر آن، تداوم آن و درس گیری از نقاط ضعف آن است و این اقدامی است که ما شروع کرده ایم. تجربه ما نشان داد که می توان در فعالیت های عملی نکات مشترک زیادی پیدا کرد. اگر چه این نکات بیان کننده تمامی تمایلات ما نیستند، اما می توان بر مبنای آن و با استفاده از آن به تداوم و ائتلاف جنبش های اعتراضی دامن زد و تبادل تجارب کرد. چندگونگی ها را تایید کرد و بر مبنای مشترکات حرکت و عمل نمود و همگامی را در شکل های نو، متنوع و باز، تجربه کرد و شکل جدیدی از کار جمعی را آزمود.

جنبش اعتراضی مردم در حال شکوفائی است. نهادهای شهری هسته ها و پل های ارتباطی عملی این جنبش در خارج اند. اگر چه این طور به نظر می رسد که نهاد ها از یک توان گسترده ارتباطی برخوردار نیستند، اگر چه این گونه به نظر می رسد که برای همگامی میان این نهاد ها، ما راه سخت و پر پیچ و خمی را در برابر خود داریم. اگر چه راه سهل و ساده ای نیست و به سرعت نمی توان پیروزی را در آغوش گرفت، ولی باید پذیرفت که این راه، یگانه راهی است که می تواند ارتباطات سالم و گسترده افقی پایدار میان احاد جنبش دمکراتیک و مترقی ایرانی در خارج از مرزهای ایران ایجاد کند. آخرین اشاره

این گزارش در نشست پالتاکی همگامان شهری در روز یکشنبه ۲۱ فوریه مورد تبادل نظر قرار گرفت. تغییراتی جزئی در آن داده شد و برای انتشار به سایت ها ارسال می شود.

شرکت کنندگان در آکسیون اعتراضی در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در ژنو گروه کار ها نوفر

همگامی کانون ها، نهادها و مجامع ایرانی در همبستگی و دفاع از مبارزات مردم ایران و "نه به جمهوری اسلامی" در اروپا

برای اطلاع بیشتر، شرکت فعال در این همگامی میان مجامع دمکراتیک شهری و یا تماس با ما:

(آلمان): «حسین نقی پور: ۰۰۴۹۱۷۶۸۱۰۷۰۴۴۳»، «اصغر اسلامی:

۰۰۴۹۱۷۶۲۲۰۸۴۷۳۲»، «نصرت: ۰۰۴۹۱۷۱۸۳۵۲۵۸۳»

(هلند): «احمد پوری: ۰۰۳۱۷۰۳۰۵۰۴۱۵ تلفن دستی: ۰۰۳۱۶۴۲۴۸۹۸۶۸»
(سوئیس - زریخ: خسرو: ۰۰۴۱۷۸۹۱۰۹۷۸۹)

اطلاعیه دبیرخانه کومه له زحمتکشان کردستان در مورد:

جنایت جمهوری اسلامی در منطقه سردشت

دوشنبه ۳ اسفند ۱۳۸۸ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۰

بدینوسیله مردم کردستان و همه آزادیخواهان ایران را مطلع میسازیم که یک واحد تدارکاتی از رفقای ما که به منظور جمعآوری کمک مالی در ناحیه سردشت حضور داشتند در اثر یک توطئه طرحریزی شده وزارت اطلاعات به دام افتاده و به شهادت میرسند. این رفقا در ساعاتی از صبح روز دوم اسفند ۱۳۸۸ معادل ۲۱ فوریه ۲۰۱۰ میلادی، در منطقه مرزی سردشت و در نزدیکی روستای کانی زرد، در حالیکه سوار بر یک وانت تویوتا بودند به طور غافلگیرانه ای مورد حمله مسلحانه نیروهای اطلاعات قرار میگیرند و سه نفر از رفقای ما به اسامی محمدمین افشاری، ایاد اورامی و محمالدین کلهری به همراه شخص دیگری به نام حسین دهقانی که با آنها همراه بوده است، به شهادت میرسند. طبق اطلاعات تاکنونی ما وزارت اطلاعات با استفاده از عوامل خود مقدمات ترور این مبارزین را طراحی نموده که ما بعداً جزئیات آن را به اطلاع عموم میرسانیم.

لازم به گفتن است در اطلاعیه وزارت اطلاعات از سربازان گمنام امام زمان نام برده شده و در توجیه جنایت خود اتهاماتی واهی به این رفقا نسبت داده‌اند که بی اساس است. این در حالی است که نیروهای رژیم هر روزه به کشتار کولبران مرزی میپردازند و آنان را به گلوله میبندند و جانشان را میگیرند. این رفقا در کوچکترین عملیات یا مأموریت نظامی نبوده‌اند. بدین وسیله همه داستان و دروغبافی وزارت اطلاعات تکذیب میشود و این سناریوسازیها در راستای توجیه سیاست سرکوب وحشیانه‌ای است که ماههاست رژیم جمهوری اسلامی به منظور زهرچشم گرفتن از مردم کردستان، بدان مشغول است. ما شهادت این چهار نفر را به خانواده هایشان و همه مردم کردستان

تسلیت می‌گوییم و از همه مبارزین و مردم کردستان می‌خواهیم که جنایات جمهوری اسلامی در کردستان را افشا و محکوم نمایند.

دبیرخانه کومه له زحمتکشان کردستان
سوم اسفند ماه 1388 شمسی خورشیدی

جمهوری اسلامی و مهمانی عزیز بنام "دشمن"



جمعه ۳۰ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۹ فوریه ۲۰۱۰

"شکوفه منتظری"

برخی کارشناسان سیاسی با توجه به سوابقی که جمهوری اسلامی از خود نشان داده عقیده داشتند که این رژیم همیشه به مرز خط قرمز نزدیک می‌شود و یا حتی پای خود را روی این خط می‌گذارد ولی هیچگاه از آن رد نمی‌شود. چنانچه آیت الله خمینی بالاخره پس از هشت سال جنگ قطعنامه 598 را پذیرفت و البته اینکار را به مثابه نوشیدن جام زهر توصیف کرد. این عده معتقد بودند که در حقیقت در بحث هسته ای جمهوری اسلامی اینقدر پیش می‌رود که احساس خطر کند و آنگاه است که آیت الله خامنه ای جام زهر را می‌نوشد، اما در شرایط کنونی وضع به گونه ای دیگر است. کارشناسان و مشاوران جمهوری اسلامی بر این مساله اتفاق نظر داشتند که ملت ایران زمانیکه دشمن خارجی آنها را تهدید می‌کند با یکدیگر متحد می‌شوند، به همین دلیل همیشه مساله "دشمن" در جمهوری اسلامی بارها مطرح شده است. یعنی همیشه کشوری نظیر آمریکا و اسرائیل به عنوان یک تهدید برای ایران معرفی شده اند تا همه مردم به شکلی متحد در برابر آنها موضع بگیرند و بر این اساس بقای نظام حفظ شود.

به عقیده این مشاوران هرچه "دشمن" واقعی تر باشد مردم بیشتر با هم متحد خواهند شد اما آیا در شرایط کنونی که مردم ناراضی به

خیابانها آمده و در برابر رژیم جمهوری اسلامی ایستاده اند وجود دشمن برای حفظ نظام کافی است؟!!

با وجود این دور از ذهن نیست که جمهوری اسلامی به استقبال دشمن برود و او را تا مرزهای کشور بکشانند شاید این راهی برای حفظ نظام جمهوری اسلامی باشد.

احمدی نژاد چندی پیش اعلام کرد که بحث مبادله اورانیوم غنی سازی شده را می پذیرد ولی مدتی پس از آن اعلام کرد که غنی سازی اورانیوم تا 20 درصد در نطنز آغاز شده است. چند روز پس از این خبر آژانس بین المللی انرژی اتمی در تازه ترین گزارش محرمانه خود برای نخستین بار خبر داد که نگرانی ها درباره فعالیتهای گذشته و فعلی اعلام نشده احتمالی ایران در ارتباط با توسعه کلاهک هسته ای را افزایش می دهد .

در این گزارش که خبرگزاری های بین المللی بخش هایی از آن را منتشر کرده اند، آژانس بین المللی انرژی اتمی تایید کرده که ایران توانسته است مقدار کمی اورانیوم با غلظت ۲۰ درصد را تولید کند.

آژانس بین المللی انرژی اتمی همچنین تصریح کرده است که ایران پیش از آغاز غنی سازی با عیار بالا بازرسان این آژانس را از این اقدام مطلع نکرده است.

در گزارش یوکیو آمانو آمده است: ایران نمونه هایی در اختیار آژانس قرار داده است که نشان می دهد این کشور غنی سازی با غلظت نوزده و هشت درصد را انجام داده است.

آژانس بین المللی انرژی اتمی می گوید: ایران پیش از حضور بازرسان این آژانس در تاسیسات، مواد هسته ای را در سانتریفوژهای فعال خود تزریق کرده است.

با این حال در گزارش آژانس تصریح شده است: ایران همکاری لازم را انجام نداده است تا آژانس بتواند تایید کند همه مواد هسته ای که در فعالیت های اتمی ایران به کار گرفته می شوند، صلح آمیز هستند.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، زبان به کار گرفته شده در گزارش تازه یوکیا آمانو در مقایسه با گزارش های محمد البرادعی، مدیرکل سابق آژانس، تندتر است و آقای آمانو در این گزارش مستقیماً ایران را به خاطر همکاری نکردن با این نهاد بین المللی مورد انتقاد قرار داده است.

واکنش‌ها به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، روز جمعه گفت: ما بسیار نگرانیم و نمی‌توانیم بپذیریم که ایران از همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سر باز می‌زند.

روز جمعه وزارت خارجه روسیه با صدور بیانیه‌ای رسمی از ایران خواست با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیشتر همکاری کند. آندری نسترنکو، سخنگوی وزارت خارجه روسیه گفت: تهران باید در همکاری خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بیشتر فعال باشد و دامنه این همکاری را گسترش دهد.

فرانسه نیز روز جمعه به گزارش آژانس واکنش نشان داد و بار دیگر نسبت به برنامه اتمی ایران ابراز نگرانی کرد. برنار والرو، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه، گفت: این گزارش دقیقا همان نگرانی‌های جدی جامعه جهانی را تایید می‌کند. سخنگوی برنار کوشنر افزود: این گزارش نشان می‌دهد در پاسخ به عدم همکاری ایران، تا چه اندازه اقدام قاطعانه از فوریت برخوردار است.

فرانسه که یکی از کشورهای گروه ۵+۱ است، در ماه جاری میلادی ریاست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل را در اختیار می‌گیرد. آلمان نیز روز جمعه اعلام کرد، گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره برنامه هسته‌ای ایران، تایید کننده «نگرانی‌های عمیق» برلین است.

اولریش ویلهم، سخنگوی آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان، به خبرنگاران گفت: سرپیچی مدام از قطعنامه‌های سازمان ملل و ادامه سیاست خطرناک هسته‌ای تهران، جامعه جهانی را وامی‌دارد که تحریم‌های فراگیرتری را در نیویورک، علیه رژیم تهران دنبال کنند. سخنگوی آنگلا مرکل افزود: «گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تایید کننده نگرانی‌های عمیقی است که دولت آلمان برای زمانی دراز درباره برنامه هسته‌ای ایران داشته است.

درست یکروز پس از آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فعالیتهای احتمالی ایران در ساخت کلاهک هسته‌ای ابراز نگرانی کرده است، آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید ایران اعتقادی به سلاح و بمب اتمی ندارد.

وی در واکنش به گزارش آژانس اظهار می‌دارد که جمهوری اسلامی احساساتی نخواهد شد چرا که ما بارها گفته ایم مبانی و اعتقادات دینی ما اینگونه سلاح‌ها را به عنوان سمبل نابودی حرث و نسل، ممنوع و حرام می‌داند و به همین علت ما هیچ اعتقادی به سلاح و بمب

اتم نداریم و دنبال آن نمی رویم. در همین حال، علی اصغر سلطانی، نماینده ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی، نیز روز جمعه ابراز نگرانی آژانس درباره برنامه هسته ایران را «بی اساس» خواند. علی اصغر سلطانی در این زمینه گفت: مسائل مربوط به مطالعات ادعایی، موشک و انفجارات مسائل خسته کننده ای هستند که به صحت نداشتن آنها در گزارشهای البرادعی اشاره شده است و چیز جدیدی نیست.

علی اصغر سلطانی در واکنش به گزارش مدیرکل آژانس درباره همکاری نکردن ایران گفت: این درخواستها و ادعاها درباره میزان همکاری ایران با آژانس برای ما قابل قبول نیست. ایران درخواستها برای همکاریهای خارج از پادمان جامع آژانس را اجرا نمی کند و از سویی درخواستهایی که مطابق با خواست قطعنامه های شورای امنیت درباره ایران را نیز اجرا نمی کند؛ چرا که ایران این قطعنامه ها را خلاف قواعد و قوانین بین المللی می داند.

زمانی که آمریکا به عراق حمله کرده بود محمد خاتمی که آن زمان رئیس جمهوری ایران را به عهده داشت در سخنرانی از ملتی که برای فرار از شرایط موجود به استقبال دشمن می روند سخن گفت. دقیقاً همین مساله باعث شد که عراق به سادگی تحت اختیار نیروهای آمریکایی قرار بگیرد.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

جمعه ۳۰ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۹ فوریه ۲۰۱۰

اعلامیه

مبارزه همچنان ادامه دارد

سی و یکمین سالگرد انقلاب بهمن در ایران برگزار شد. حکومت اسلامی با برنامه ریزی قبلی و تدارک وسیع و سازمان دادن یک حکومت نظامی وسیع در تهران و شهرهای بزرگ موفق شد تا از تاثیر تظاهرات مردم

معارض بر مراسم دولتی جلوگیری کرده و با تبلیغات گسترده و دروغ پراکنی چنان وانمود کند که گویا 50 میلیون نفر در مراسم دولتی شرکت کرده‌اند. این رقم همانقدر واقعی است که ارقام اعلام شده نتیجه انتخابات 22 خرداد و پیروزی احمدی نژاد در آن! اکنون مدتی است که مردم انتظاری جز دروغ پراکنی از این رژیم ندارند و ارقام این چنینی تنها برای دلگرمی نیرویهای «خودی» است که بدنبال هشت ماه مبارزه مردم، سست و متزلزل شده‌اند.

حکومت اسلامی با لشکرکشی به خیابان‌ها، استقرار نیروهای سپاه، بسیج، نیروهای انتظامی و امنیتی و لشکری از قداره بندان و لباس شخصی‌ها، فضای رعب و وحشتی را در سطح شهرها دامن زد و در سایه این فضای سی و یکمین سالگرد انقلاب بهمین راه به سبک خود جشن گرفت.

جنبش اعتراضی نیز، همچون موارد قبلی، با استفاده از این روز در خیابان‌ها حاضر شد تا ضمن نشان دادن مخالفت خود با حکومت، خواسته‌های آزادیخواهان خود را اعلام کند. اما حکومت نظامی اعلام نشده و استقرار نیروهای نظامی در مناطق حساس شهر باعث تا بخشی از شهروندان معترض عملاً در میان تظاهر کنندگان دولتی حل شده و از هر گونه اعتراضی و امانند. از آن سوی، بخشی دیگر از مردم معترض در گوشه و کنار و بدور از مراسم رسمی، با برپا کردن تظاهرات موضعی و درگیری با نیروهای انتظامی، در تهران و چند شهر بزرگ، عملاً موفقیتی در پژواک صدای آزادیخواهان و حق‌طلبانه مردم، همچون موارد قبلی نداشتند.

تجربه 22 بهمین نشان داد که، ضمن آن که جنبش مردم ادامه داشته و متوقف نشده است، اما نیاز به تغییر و تنوع در تاکتیکهای مبارزاتی خود دارد. استفاده از روزهای رسمی برای برگزاری تظاهرات، تاکتیک موفقیتی بوده و هنوز هم می‌توان از آن بهره گرفت، ولی باید توجه داشت که حکومت نیز می‌تواند خود را برای مقابله با تظاهرات مردم آماده کرده و همچون 22 بهمین، آن را محدود کند. امکانات حکومت به مراتب از مردم بیشتر است.

تنها نباید به روزهای رسمی بسنده کرد بلکه باید مبارزه را به محیط کار و مبارزات صنفی - اجتماعی کشاند. کارگران و تهیدستان که امروزه از شدت بیسابقه‌ای از بیکاری رنج می‌برند و بواسطه گرانی روزافزون زیست‌مایه اندک آنها دستخوش سودجویی‌ها و ماجراجویی‌های حکومت اسلامی و شرکای سرمایه‌دار آن قرار گرفته است، هنوز سهم و جای سزاوارشان را در این جنبش نیافته‌اند. مبارزات دستجمعی و اعتصابات آنها یکی از عرصه‌های مهم و موثر مبارزه با حکومت است. نکته دیگر آن که تداوم مبارزه نیاز به اطلاع‌رسانی دارد. در وضعیت

سانسور حاکم بر جامعه، آن دست از افشار و گروه‌هایی که امکان دسترسی به اینترنت ندارند و نمی‌توانند از امکانات تلویزیون‌های ماهواره‌ای خارجی هم استفاده کنند، عملاً راه دیگری برای خبرگیری و خبررسانی جز ابزارها و شیوه‌های سنتی ندارند که طبیعتاً سرعت و دامنه اینها نیز محدود است. گسترش و تقویت مبارزات و جنبش‌های صنفی و اجتماعی در پیوند با جنبش عمومی مردم و تلاقی پیکار برای آزادی و مبارزه برای نان، می‌تواند پتانسیل‌های بزرگ جنبش را به منصف ظهور رساند.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران تا کنون بارها بر لزوم ضرورت همکاری، اتحاد عمل و هماهنگی نیروهای آزادیخواه و دمکرات تاکید داشته است. این واقعیت که ویژگی خودانگیختگی و خودگردانی تاکتونی و همچنین تنوع و ترکیب رنگین کمان جنبش اعتراضی از نقاط قوت آنست، نمی‌تواند بر این نقص بزرگ این جنبش که همانا فقدان حد معینی از هماهنگی‌های تاکتیکی و استراتژیک و شکل‌گیری بدیلی مشخص و امید آفرین است، پرده افکند. ایجاد و تقویت نهادها، کانونها و ائتلاف‌های مستقل در عرصه‌های مختلف فعالیت و حیات اجتماعی، همکاری و اتحاد شخصیتها، نیروها و جریان‌ات دموکرات، چپ و ترقیخواه و هماهنگی و همگرایی میان آنها، می‌تواند در راستای تدوین استراتژی مشترک و شکل‌گیری آلترناتیو معتبر برای تحقق اهداف جنبش دموکراتیک مردم مفید و کارساز باشد. جنبش جاری مردم، ضمن استمرار خویش باید بتواند بر این نقیصه فائق آید.

اگر چه 22 بهمن آن گونه که مورد انتظار مردم معترض بود، برگزار نشد، اما مبارزه ادامه دارد. ریشه جنبش اعتراضی مردم در سی و یک سال جنایت سرکوب، نقض حقوق مردم، غارت و چپاول دار و ندار مردم و تعرض به حق حیات آنان از سوی حکومت اسلامی است و نمی‌توان این سی و یک سال بی‌حقوقی و سرکوب مردم ایران را با برگزاری یک مراسم رسمی در زیر سایه تفنگ و دروغ پراکنی از کارنامه خود پاک کرد.

در شرایط حاضر همکاری و اتحاد عمل نیروهای آزادیخواه و دمکرات معتقد به جدایی دین از دولت و مدافع مطالبات جنبش‌های اجتماعی در ایران، ضرورتی است تاریخی و انکارناپذیر. لازم است تا اپوزیسیون دمکرات و آزادیخواه که برای استقرار دمکراسی، جدایی دین از حکومت و حفظ استقلال و صلح مبارزه می‌کنند، تلاش‌های خود را برای سامان دادن به یک جبهه سیاسی دمکراتیک و آزادیخواه دو چندان کنند.

سازمان ما که از دیرباز همواره بر ضرورت همکاری، اتحاد عمل و هماهنگی نیروهای آزادیخواه و دمکرات تاکید داشته، آماده است تا

دست همه این نیروها را برای همکاری تا رسیدن به یک ائتلاف پایدار سیاسی برای استقرار یک جمهوری دمکراتیک و لائیک به جای جمهوری اسلامی در ایران، بفشارد.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
28 بهمن ۱۳۸۸ - 17 فوریه ۲۰۱۰